

شناسایی اعتبار آرای داوری خارجی در حقوق ایران

حمیدرضا اسکندری

وکیل پایه یک دادگستری، کانون وکلای دادگستری مرکز

چکیده

داوری، مهم‌ترین روش حل‌وفصل غیر قضایی اختلافات راجع به قراردادهای و مسائل حقوقی در دنیای امروز است که بسیاری از نظام‌های حقوقی، سعی کرده‌اند مقررات منسجمی در مورد این روش حل اختلافات در قوانین و مقررات خود، پیش‌بینی کنند. گاه بنا بر دلایلی، قلمرو انجام فرایند داوری، به فراتر از مرزهای داخلی یک کشور گسترش می‌یابد و در این حالات، ما با داوری‌های فرامرزی روبرو هستیم که موجب ایجاد آرای داوری خارجی می‌شود. بر اساس اصول سنتی و کلاسیک حقوق داوری بین‌المللی، این آرا اصولاً برای دیگر نظام‌های حقوقی الزام‌آور هستند لیکن گاه، برخی دلایل و عوامل، مانع شناسایی اعتبار آرای داوری خارجی در حقوق داخلی کشورهای دیگر می‌شود. در همین رابطه، یکی از مسائل مهم در ارتباط با مقوله داوری در اختلافات حقوقی، امکان یا عدم امکان شناسایی آرای داوری خارجی در حقوق ایران است. در نوشتار حاضر، کوشش شده است رویکرد حقوق ایران نسبت به اعتبار آرای داوری خارجی و نحوه اجرای آن‌ها در حقوق داخلی مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال، باید گفت گاه اجرای آرای داوری خارجی در حقوق داخلی ایران، با برخی چالش‌ها و موانع روبروست و نیز عواملی، موجب بی‌اعتبار محسوب شدن آرای داوری خارجی در حقوق داخلی ایران می‌شوند. رویکرد تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و روش انجام تحقیق حاضر، مطالعه کتابخانه‌ای است.

کلیدواژگان: داوری، رأی داوری، آرای داوری خارجی، شناسایی اعتبار، اجرای رأی داوری، حقوق داخلی، موانع شناسایی.

مقدمه

داوری بین‌المللی، امروزه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دانش حقوق و به کارگیری عملی قواعد این رشته از دانش بشری به منظور حل و فصل معضلات و اختلافات حقوقی است. در داوری بین‌المللی، یک یا چند عنصر بین‌المللی راجع به موضوع مورد اختلاف یا گستره و قلمرو اختلاف میان اطراف آن و یا مقولات دیگر، موجب می‌شود که روند داوری، جنبه بین‌المللی پیدا کند و لذا سازوکارهای خاص و گاه متفاوتی با فرایندهای داوری داخلی، برای حل و فصل اختلافات، مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از تقسیم بندی‌هایی که در مورد داوری ارائه می‌شود، تفکیک آن به داوری داخلی و داوری بین‌المللی است. بند (ت) ماده ۱ آئین نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران در مورد حل و فصل اختلافات تجاری داخلی و بین‌المللی مقرر می‌کند: «داوری تجاری داخلی» عبارتست از حل اختلافات و دعاوی راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص حقوقی یا حقیقی که در زمان انعقاد موافقت نامه داوری به موجب قوانین ایران، تبعه ایران باشند. معیار پیش گفته اگر چه مفید است ولی همیشه مشکل گشا نیست. برای نمونه مواردی که موافقت نامه داوری در کار نبوده و طرفین از طریق دادگاه به داوری ارجاع می‌شوند، بلا تکلیف گذارده شده است. شاید بتوان گفت در این موارد، معیار، تابعیت زمان ارجاع امر به داوری است. چون دادگاه نیز اصولاً در صورت توافق طرفین می‌تواند قضیه را به داوری ارجاع نماید. موضوع دیگر در خصوص شرکت‌ها (و کلاً اشخاص حقوقی) مطرح می‌گردد. اهلیت شرکت‌ها همیشه از مسایل بحث برانگیز بوده است. بی آنکه بخواهیم در پی تکرار اختلاف نظرها گذشته باشیم صرفاً به اهلیت شرکت‌ها از منظر موضوع نوشته حاضر می‌پردازیم. با توجه به ماده یک قانون ثبت شرکت‌ها و ماده ۵۹۱ قانون تجارت، معیار تابعیت شرکت‌ها، اقامتگاه آن‌هاست. بدین معنی که شرکت‌ها تابعیت کشوری را دارند که مرکز اصلی شان در آنجا باشد.^۱ بنابراین چنانچه مرکز اصلی شرکتی در حین انعقاد توافق نامه داوری یا در زمان ارجاع امر به داوری در خارج از کشور باشد، داوری از نوع بین‌المللی خواهد بود.

ملاک تابعیت که در حقوق ایران برای تمییز داوری داخلی از داوری بین‌المللی منظور شده، به رغم ابهامات پیش گفته، روشنتر از ملاکی است که حول محور موضوع اختلاف دور می‌زند و بنابراین اگر منفعت مورد بحث مربوط به تجارت بین الملل باشد، داوری بین‌المللی محسوب می‌نماید و چنانچه منافع مربوط به داخل کشور باشد، داوری، داخلی قلمداد می‌شود. برای نمونه در حقوق فرانسه برای تمییز بین داوری داخلی و بین‌المللی گفته شده که در داوری‌های داخلی صرفاً موضوعات داخلی مطرح است. در ماده ۱۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه^۲ معیار بین‌المللی بودن داوری تصریح شده و سایر داوری‌ها داخلی تلقی شده است. در این قانون به موضوع منافع مورد دعوا توجه شده است. در داوری داخلی صرفاً یک نفع داخلی مطرح است و موضوع نفع تجاری بین‌المللی^۳ (مصالح تجاری بین‌المللی) به میان نمی‌آید.

در حقوق انگلستان، ماده ۲ قانون داوری ۱۹۹۶ بین داوری داخلی و خارجی تمایز قایل شده است. مطابق ماده ۲ این قانون، داوری در صورتی داخلی است که محل داوری در انگلستان واقع شده باشد. بر این مبنا داوری‌ای که محل آن خارج از انگلستان باشد خارجی تلقی می‌گردد. مقررات قانون مزبور جز در مواردی که تصریح شده باشد فقط در خصوص داوری داخلی جاری خواهد بود. ماده ۸۵ به طور مفصل معیارهای داخلی بودن داوری را بیان کرده است. بر اساس این ماده داوری در صورتی داخلی است که ۱. در مورد شخص حقیقی: باید تابعیت انگلستان را داشته و محل سکونت عادی و معمولی وی نیز در این کشور باشد. ۲. در مورد شخص حقوقی: در انگلستان تشکیل شده و مرکز اصلی آن نیز در خاک این کشور باشد. ۳.

^۱ اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ص ۷۰.

^۲ نقل از: بهمنی، محمد علی، داوری بین‌المللی، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۳۷.

^۳ از این عبارت به مصالح تجاری بین‌المللی نیز تعبیر شده است. برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به: جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ هشتم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲.

محل داوری نیز در خاک انگلستان قرار داشته باشد.^۱ لازم به ذکر است که مطابق ماده ۸۷ قانون داوری، معیارهای مزبور در زمان انعقاد موافقت نامه داوری در نظر گرفته خواهد شد.

در مورد داوری بین‌المللی نیز باید گفت در حقوق ایران معیار بین‌المللی بودن داوری، خارجی بودن حداقل یکی از طرفین اختلاف است. بر اساس بند (ت) ماده ۱ آئین نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران در مورد حل و فصل اختلافات تجاری داخلی و بین‌المللی: «داوری تجاری بین‌المللی آن است که یکی از آن‌ها (منظور طرفین اختلاف است) در زمان انعقاد موافقت نامه داوری، طبق قوانین ایران تبعه ایران نباشد.» در واقع معیار تعیین کننده، تابعیت طرفین است ولی در حقوق فرانسه، معیار، منافع تجاری بین‌المللی است. بر اساس ماده ۱۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه داوری در صورتی بین‌المللی است که موضوع آن مربوط به یک نفع تجاری بین‌المللی باشد.

نکته دیگر آنکه در دعوی داخلی، داوری جایگزین رسیدگی قضایی در دادگاه هاست ولی در دعوی بین‌المللی، شیوه منحصر به فرد حل و فصل اختلافات تجاری است؛ زیرا اساس داوری بر تراضی است و هیچ مرجع یا دادگاه بین‌المللی با صلاحیت عام وجود ندارد تا داوری، جانشین آن گردد.^۲ البته باید دانست که داخلی یا بین‌المللی بودن داوری حایز آثار چندی است. نخست اینکه داوری داخلی اصولاً مشمول قانون آیین دادرسی مدنی و در داوری‌های خاص^۳ مشمول قوانین ویژه است ولی داوری بین‌المللی اصولاً تابع قانون داوری تجاری بین‌المللی است (مواد ۲ و ۳۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی) همین امر در حقوق فرانسه نیز مشاهده می‌شود. بدین توضیح که داوری داخلی و بین‌المللی هر یک تابع مقررات جداگانه ایست. در این کشور، داوری داخلی مشمول مواد ۱۴۴۲ تا ۱۴۹۱ و داوری بین‌المللی مشمول مواد ۱۴۹۲ تا ۱۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی است. همچنین در مواردی که طرف دعوا خارجی است (و بنابراین داوری نیز بین‌المللی است) چنانچه طرف ایرانی دولت و نهادهای دولتی باشند، تحت شرایطی تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است. بر اساس ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی: «ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.»

مطابق ماده ۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی دادگاه صالح در خصوص اختلافاتی که در مورد داوری تجاری بین‌المللی مطرح می‌گردد (اصولاً) دادگاه عمومی مرکز استانی است که مقرر داوری در حوزه آن قرار دارد ولی در داوری داخلی اصولاً دادگاه صالح دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد (ماده ۴۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی)

در داوری بین‌المللی موضوع قانون حاکم بر ماهیت داوری^۴ و نیز قانون حاکم بر آیین داوری مطرح می‌گردد. برای مثال مواد ۱۹ و ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی به این موضوع اختصاص یافته است. بر اساس ماده ۱۹: «۱. طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند. ۲. در صورت نبودن چنین توافقی داور با رعایت مقررات این قانون داوری را به نحو مقتضی اداره و تصدی می‌نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هر گونه دلیل بر عهده داور است.» در مورد قانون حاکم بر ماهیت دعوا نیز ماده ۲۷ چنین مقرر می‌کند: «۱. داور بر حسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول

^۱ For this purpose a domestic arbitration agreement means an arbitration agreement to which none of the parties is a /an individual who is a national of or habitually resident in, a state other than the united kingdom, or a body corporate which is incorporated in, or whose central control and management is exercised in, a state other than the united kingdom, an under which the seat of the arbitration, if the seat has been designated or determined is in the united kingdom.

^۲ کاکاوند، محمد، حقوق داوری داخلی و بین‌المللی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۹، ص ۲۲.

^۳ مانند داوری موضوع شرایط عمومی پیمان، داوری موضوع ماده ۲۰ تنفیذی قانون برنامه پنجساله سوم توسعه (داوری در امر واگذاری شرکتهای دولتی) و داوری در بورس.

^۴ Law applicable to substance of dispute

این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشد.^۲ در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین داور بر اساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.^۳ داور در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می تواند بر اساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه تصمیم بگیرد.^۴ داور باید در کلیه موارد بر اساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند و عرف بازرگانی موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.^۵ ولی در داوری داخلی اساساً چنین بحثی مطرح نمی گردد. داور هم در آیین داوری و هم در ماهیت منازعه نظام حقوقی کشور متبوع را لحاظ خواهد کرد. این موضوع در ماده ۱۴۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز مطرح شده است؛ بدین نحو که قانون حاکم بر آیین داوری اصولاً با توجه به قانون حاکم بر ماهیت اختلاف تعیین می گردد؛ در حالی که اساساً در داوری های داخلی چنین بحثی مطرح نشده و داور نه تنها اصول مورد احترام محاکم را رعایت خواهد کرد (ماده ۱۴۶۰ قانون اخیر) بلکه مطابق قواعد حاکم بر حقوق داخلی اتخاذ تصمیم می نماید (ماده ۱۴۷۴ همان قانون).^۱ در قانون داوری انگلستان نیز بین داوری داخلی و بین المللی و آثار آن تفاوت های زیادی وجود دارد. برای نمونه، در داوری های داخلی نفوذ توافق بر استثنای صلاحیت مراجع قضایی^۲ منوط به رعایت شروط خاصی است.^۳ از دیگر تفاوت های داوری داخلی با داوری بین المللی است که در داوری داخلی، بر اساس ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی: «هر گاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می نماید.» و تنها در صورتی که معامله یا قرارداد مزبور را معتبر شناخت، داور یا داوران می توانند به داوری بپردازند، در حالی که داوران در داوری بین المللی، خود جهت تعیین صحت یا بطلان قرارداد داوری یا معامله متضامن شرط داوری صالح می باشند.

مهم ترین نکته ای که در مورد داوری های بین المللی و آرای صادر شده در محاکم خارجی مطرح است، امکان و نحوه شناسایی اعتبار آرای داوری خارجی و بین المللی در نظام های حقوقی داخلی است. این مقوله در مورد نظام حقوقی ایران نیز مطرح است به نحوی که می توان از شناسایی اعتبار و اجرای آرای داوری خارجی در نظام داخلی حقوق ایران سخن گفت. در نوشتار حاضر، جنبه های مختلف این مقوله، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مقررات راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی در حقوق ایران

در مقررات و قوانین مدون ایران، هیچگونه قوانین و مقررات خاص و مشخصی در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری های خارجی وجود ندارد که اینک حدود ۷۰ سال از قانونگذاری در ایران می گذشت و ما حتی در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی (بطور عام) حکمی نداشتیم تنها ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی در این مورد وجود داشت که در مورد شناسایی اسناد صادره از کشورهای خارجی (بطور عام) صحبت می کرد و با یک تفسیر موسع و باز و لیبرال احکام صادره از کشورها می خارجی را نیز جزو اسناد چهارگانه کشور لشگری، اداری و قضایی قرار می گرفت و شرایط چهارگانه این ماده را برای شناسایی و اجرای احکام خارجی رعایت می شد تا اینکه در اول آبان ماه ۱۳۵۸ قانون اجرای احکام مدنی تصویب گردید. فصل نهم این قانون یعنی مواد ۱۸۰ - ۱۶۹ به شناسایی و اجرای احکام و اسناد خارجی پرداخته است از آن زمان ما دارای قوانین و مقررات مدون در مورد اجرای احکام خارجی شدیم به عبارت دیگر باید گفت تا آن زمان نحوه برخورد با احکام صادره از سایر کشورهای جهان در ایران دارای مقررات مدون خاص نبود.

^۱ نقل از: کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو، حقوق داوری داخلی، انتشارات دادگستر، چاپ ششم، ۱۳۹۸، ص ۴۰

^۲ Effectiveness of agreement to exclude court's jurisdiction.

^۳ نقل از: خسروسرشمی، هادی، موانع شناسایی اعتبار آرای داوری خارجی در نظام های حقوقی دیگر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۴۲.

معضلی که در حقوق ایران وجود دارد، این است که باید برای شناسایی و اجرای آرای داوری های خارجی بدلیل نداشتن مقررات خاص خود در حقوق ایران به قواعد و مقررات مربوط به ۱- شناسایی و اجرای احکام خارجی و ۲- اجرای آرای داوری (به طور عام) رجوع نماییم.

با توسل به مقررات و قواعد مربوط به شناسایی و اجرای احکام خارجی می توانیم مقررات مربوط به شناسایی و اجرای داوری های خارجی را در حقوق ایران پیدا کنیم زیرا:

اولاً هیچ رای داوری تا زمانی که مورد شناسایی دادگاه و محکمه مقرر مرجع داوری قرار نگیرد و براساس آن دادگاه امر به اجرای آن صادر نماید قابلیت اجرا پیدا نمی کند بنابراین آنچه ضمانت اجرا در کشور دیگر پیدا می کند امر به اجرای رای است که یک ماهیت قضایی دارد و براساس بند ۸ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام نیز از شروط شناسایی صدور دستور اجرا می باشد مقررات مدلی داوری آنستیرال (کمسیون حقوق تجارت بین المللی سازمان ملل) و اتاق بازرگانی پاریس نیز بر این امر تصریح دارند.

ثانیاً ماده ۳۵ لایحه پیشنهادی داوری تجاری بین المللی ایران نیز صراحتاً مقرر می دارد که آرا داوری که مطابق مقررات این قانون صادر می شود قطعی و لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ (دادگاه عمومی مرکز استان - شعبه یک) با ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شود یعنی هیچ تفاوتی بین اجرا (نه شناسایی) آرای داوریها و احکام دادگاهها از دیدگاه قانونگذار ایرانی نیست.

ثالثاً - ماده ۹۷۲ قانون مدنی مقرر می دارد: احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرا تنظیم شده در خارجه را در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرا آنها صادر شده باشد.

بنابراین آرای داوری خارجی موضوع دستور اجرای محاکم و دادگاههای خارجی نیز از موضوعات مشمول این ماده بوده و باید برای اجرای دستور و امر به اجرای آنها توسط محاکم ایران صادر شود.

رابعاً در اجرای ماده ۹۷۲ قانون مدنی ماده ۱۷۷ قانون برای اجرای احکام مقرر می دارد: اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجرا می باشد. بنابراین برای یافتن مقررات مربوط به شناسایی و اجرای آرای داوری های خارجی باید از قوانین و مقررات مربوط به شناسایی و اجرای احکام دادگاههای خارجی در حقوق ایران و مقررات مربوط به داوری در حقوق ایران و با امید به وضع قوانین خاص در این مورد در آینده نزدیک کمک گرفت که در این بحث نیز اینگونه عمل شده است.

ج _ شرایط شناسایی آرای داوری های خارجی در ایران با عنایت به مفاد ماده ۹۷۲ قانون مدنی و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ هشت شرط برای شناسایی احکام خارجی پیش بینی نموده است این شروط عبارتند از: اولاً حکم از کشورهایی صادر شده باشد که بموجب قوانین خود یا عهده یا قراردادها احکام صادره از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.

ثانیاً اجرای حکم مخالف با عهده بین المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

ثالثاً حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجرا باشد و بعلت قانونی از اعتبار خود را از دست نداده باشد.

رابعاً از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

خامساً رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.

ساده‌سأ حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

سابعاً دستور اجرای حکم از مقالات صلاحیت دار کشور صادر کننده حکم صادر شده باشد.

۲- موانع اجرای آرای داوری های خارجی در ایران

مواردی که مانع اجرای آرای داوری های بین المللی می شوند را می توان به هفت دسته تقسیم کرد: اول: موانع قابل ابطال، دوم: موانع باطل کننده، سوم: موارد غیر قابل ارجاع به داوری، چهارم: مواردی که داوری از بین می رود، پنجم: آرا مخالف با قوانین موجد حق، ششم: هم تبعه بودن، هفتم: موارد مخالف اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی.

۲-۱ موانع قابل ابطال

این موانع که در مقررات مختلف آمده اند کلاً در ماده ۳۳ لایحه داوری تجارت بین المللی جمع آمده اند. این ماده به شرط تصویب نهایی مقرر می دارد که رای داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه قابل ابطال است: «۱- یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد، ۲- موافقت نامه داوری به موجب قانون حاکم معتبر نباشد و یا در صورت سکوت قانون حاکم مخالف صریح قوانین ایران باشد، ۳- مقررات مربوط به ابلاغ اخطاریه های تعیین داور، یا درخواست داوری رعایت نشده باشد، ۴- درخواست کننده ابطال بدیهی که خارج از اختیار او بوده موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد، ۵- داور خارج از حدود اختیارات خود رای داده باشد، ۶- ترکیب هیات داوری یا آیین دادرسی مخالف مقررات نامه داوری یا قوانین آیین دادرسی حاکم باشد، ۷- قرارداد داوری مشتمل بر نظر موافق یا موثر داو جرح شد باشد، ۸- رای داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد، ۹- پس از صدور رای داوری، مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت درخواست کننده ابطال بود و ثابت شود که آن مدارک مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.»

۲-۲ موارد ابطال رای

ماده ۳۴ لایحه داوری تجاری بین المللی همانند ماده ۶۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی در موارد زیر رای داور یا هیات داوری را اساساً باطل و غیر قابل اجرا می داند:

- ۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف بموجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد. ماده ۶۷۵ ق. آ. د. م. نیز بر این امر تصریح دارد.
- ۲- در صورتی که مفاد رای مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد. ماده ۶۷۵ ق. آ. د. م. نیز این امر را پذیرفته است.
- ۳- رای داوری در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران بوده و یا با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی که از اعتبار نیفتاده است معارض باشد. مگر اینکه در مورد اخیر داور حق سازش داشته است.

۲-۳ مواردی که موضوع قابل ارجاع به داوری نیست

ماده ۶۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی دو نوع دعوی را قابل ارجاع به داوری نمی داند: دعوی ورشکستگی و دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب

۴-۲ مواردی که داوری از بین می رود

ماده ۶۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی در دو مورد مقرر می دارد که داوری از بین می رود: در صورت تراضی کتبی طرفین و در صورت فوت یا محجوز شدن یکی از طرفین.

۵-۲ آرا مخالف با قوانین موجد حق

ماده ۶۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد که رای داور یا هیات داوری نباید مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۶-۲ هم تبعه بودن

ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد که در مورد معاملات واقع بین اتباع ایران اتباع خارجه، طرف ایرانی نمی تواند مادام که اختلاف تولید نشده است و به نحوی از انجا مستلزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری یک یا چند نفر و یا به داوری هیاتی رجوع نمایید که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیات دارای همان تابعیتی باشد که طرف معامله دارد و در هر قراردادی که مخالف این حکم باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر است. این در صورتی است که در بقیه موارد داوری از قبل از اختلاف پیش بینی داور یا داوران بلامانع است.

۷-۲ موارد اختلاف اصل یکصد وسی و نهم

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد موارد مهم را قانون تعیین می کند. بنابراین ارجاع دعاوی راجع به اموال که طرف دعوی خارجی باشد باید به تصویب مجلس نیز برسد.

در توضیح بیشتر در این باره باید گفت داوری که به عنوان یکی از بارزترین مصادیق حل و فصل اختلافات به شمار می آید، در نظام حقوقی ایران نیز دارای جایگاهی درخور و ویژه می باشد به نحوی که در قوانین متعدد، سعی قانونگذار اساسی و عادی در قاعده مند سازی و طرح ریزی چارچوب هایی در جهت به حداکثر رسانیدن ظرفیت های آن می باشد. این مهم در قانون اساسی تنها به بخشی از دعاوی در قالب سازوکار های خاص خود اختصاص یافته است؛ بدین توضیح که داوری منظور در اصل ۱۳۹ صرفاً مختص دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی و آن هم فقط بعد از سپری نمودن مقدمات و تشریفات ویژه امکان پذیر می باشد.^۱

تصویب ارجاع دعاوی مورد اشاره به داوری توسط هیات وزیران و اطلاع مجلس زمانی که این دعاوی علی رغم داخلی بودن، دارای اهمیت قلمداد نگردند، لازم می آید و تصویب هر دو نهاد مذکور وقتی که دعوا یا دارای طرف خارجی می باشد و یا علاوه بر داخلی بودن، مهم تلقی می گردد، ضروری است. ابهامات حاکم بر اصل مقصود خصوصاً در عرصه عمل و عدم ارائه تفسیر مقتضی از سوی شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان مفسر اصلی اصول قانون اساسی، اجرای این اصل را دچار مشکلاتی چند نموده است که از جمله موارد بروز این اشکالات، تشتت حاکم بر آرای صادره از سوی مقامات و مراجع مربوطه و ظهور چندگانگی در تفسیر و فهم این اصل می باشد. اصل ۱۳۹ همچنین در عرصه بین المللی و در بین آرای مراجع این حوزه نیز دچار گونه ای انزوا و بی اعتنائی گشته است. بدین معنا که طرح بهانه عدم انجام تشریفات منظور در اصل ۱۳۹ در برابر این مراجع چندان محلی از اعراب نداشته و آنچه از نگاه آن ها مهم تلقی می گردد، وفای به تعهد و تن دادن به قضاوت داوری مندرج در قرارداد می باشد و نه اعلام و اظهار طی مقدمات و کسب مجوزهای لازم.

^۱ علیدوستی، ناصر، ظرفیت های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۷، ص

نکته دیگر این است که مقبول افتادن داوری در نگاه قانون اساسی مربوط به دعاوی اموال عمومی و دولتی و ذیل شرایطی خاص در اصل ۱۳۹ موجود است. به واقع پذیرش داوری در این موضوع از نگاه قانون اساسی، رعایت برخی تشریفات را لازم می آورد که این مقدمات از موارد محدودیت قابلیت ارجاع دعوا به داوری نیز محسوب می شود و در توجیه آن عللی از جمله حفظ منافع عمومی ابراز شده است. بدین بیان که اختلافات مالی ارکان و اجزای دولت با سایرین، از امور مرتبط با منافع عمومی می باشد و چنانچه حل و فصل اختلافاتی از این دست از طریق مراجع قضایی ممکن نباشد و قرار بر ارجاع امر به داوری باشد، این روند باید با نظارت و یا تصویب مجلس جریان یابد چراکه در این فروض، به جای حاکمیت قانون و اجرای مفاد قرارداد اعمال روش های مبتنی بر صلاحدید شخصی افراد دخیل در داوری پیش خواهد آمد و سرنوشت اموال عمومی و دولتی به دست اوضاع و احوال حاکم بر جریان حل و فصل سپرده می شود.^۱

با عنایت به اوضاع و احوال زمان تصویب اصل ۱۳۹ و با تکیه بر تجارب تاریخی مورد استناد برخی از تصویب کنندگان اصل مذکور که در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی موجود می باشد، همچنین وجود یک نوع اعتماد مضاعف اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی بعد از مذاکراتی چند، اصل ۱۳۹ قانون اساسی با در نظر گرفتن دو مرجع نظارتی پا به عرصه نهاد.^۲

بروز ابهاماتی به ویژه در عرصه عمل، عدم ارائه نظریه تفسیری از سوی شورای نگهبان پیرامون عملکرد و ماهیت اصل ۱۳۹ و نیز نبود رویه قضایی و واگذاری تشخیص موارد مهم در اصل منظور به قانون گذار عادی و عدم ارائه ضابطه ای روشن و تفکیکی درخور در باب دعاوی و موارد مهم و غیر آن و در نهایت بلاموضوع ماندن این بخش از اصل حاضر، چاره ای جز مراجعه به دکتترین باقی نمی گذارد. در واقع علیرغم طرح این موضوع در جلسات شورای نگهبان به دلیل عدم حصول حد نصاب قانونی مذکور در اصل ۹۸ قانون اساسی، به علت وجود اختلاف نظر میان اعضا نظریه تفسیری از سوی این نهاد ارائه نگردید و تنها در مواردی نظر اکثریت شورا بیان گردید که آن هم قطعاً اعتبار نظریه تفسیری را نخواهد داشت. به دلایل مذکور و همچنین بهره مندی از ظرفیت های این اصل، نظریات متعددی در این راستا ابراز گردیده است که هر یک در عین صحت و درستی، دارای نواقصی می باشند^۳ اما آنچه مسلم است اینکه دکتترین حاکم در این عرصه، بعد و دامنه اصل ۱۳۹ را به موضوعات و مسائل حقوقی بیشتری بسط و توسعه می دهند. همچنین این نظریات، دادرسان محاکم و طرف های ایرانی را از یک سو و داوران و طرف های خارجی قرارداد را از سویی دیگر آگاه تر و مطلع تر از وضعیت و ساختار شکلی و حقوقی اصل ۱۳۹ می گردانند. به ویژه آن که می توان بارقه هایی از این نظریات را در برخی از آرای مراجع قضایی داخلی شاهد بود و این خود اهمیت طرح این خوانش ها را افزون می کند. در ادامه باید افزود که بخشی از ابهامات و نارسایی های حاکم بر اصل منظور، به علت عدم تعریف صحیح و منسجم از برخی مفاهیم مندرج و یا مرتبط با اصل ۱۳۹ می باشد.

۳- تشریفات شناسایی آرای داوریهای خارجی در ایران

تشریفات شناسایی احکام و اسناد خارجی در فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی بقرار ذیل پیش بینی شده است:

اول؛ به استناد ماده ۱۷۲ قانون فوق الذکر متقاضی شناسایی و اجرای حکم یابد به دادگاه عمومی محل اقامت محکوم علیه در ایران و یا محل سکونت وی در ایران و در صورت نداشتن هیچکدام از آن دو به دادگاه عمومی شهرستان تهران رجوع نماید و اجرای حکم را کتباً تقاضا نماید.

دوم؛ براساس ماده ۱۷۳ آن قانون متقاضی باید به تقاضای اجرای خود اسناد زیر را ضمیمه نماید:

^۱ پیری، فرهاد، تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران؛ درس هایی از گذشته، فصلنامه رأی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۰.

^۲ افراسیابی، علی، محشی قانون اساسی، انتشارات بهنامی، چاپ ششم، ۱۳۹۴، ص ۴۴۱.

^۳ فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظریات مشورتی شورای نگهبان، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۲۳۳.

- ۱- نسخه ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی با ترجمه رسمی و تایید مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده
 - ۲- رونوشت دستور اجرای حکم از طرف مرجع صلاحیت دار با ترجمه
 - ۳- گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی یکی از طرفین راجع به صدور دستور اجرای حکم از طرف مقامات صلاحیتدار
 - ۴- گواهی امضا نمایندگان سیاسی و کنسولی توسط وزارت امور خارجه ایران
- سوم؛ دادگاه بر طبق ماده ۱۷۴ قانون اجرای احکام در جلسه اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار قبولی تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم را صادر و دستور اجرا میدهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می دارد.
- چهارم؛ قرارداد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از آن تجدید نظر بخواهد (ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام)
- پنجم؛ دادگاه تجدید نظر کننده به استناد ماده ۱۷۶ آن قانون در جلسه ای فوق العاده، به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رای پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می کند و در غیر این صورت آن را تایید می کند رای قابل فرجام نیست.

۴- اجرای احکام داوریهی خارجی در ایران (براساس قوانین)

در مورد اجرای اسناد احکام و آرای خارجی در حقوق ایران سه ماده قانونی وجود دارد که هر سه حکم واحد را اعلام نموده اند:

اول؛ ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می دارد که اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجرا می باشند.

دوم؛ ماده ۱۷۸ همان قانون نیز پیش بینی نموده است که احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی بمرحله اجرا گذاشته شوند.

سوم؛ در لایحه داوریهی تجاری بین المللی نیز مطلب جدیدی برای اجرای آرای داوریهی پیش بینی نشده است و در ماده ۳۵ خود مقرر نموده است که آرای داوریهی که مطابق این قانون صادر شود قطعی و لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ (شعبه یک دادگاه عمومی مرکز استان) براساس ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شوند. بنابراین با عنایت به اجتماع حکم هر سه ماده فوق آرای داوریهی خارجی مانند احکام مدنی داخلی در ایران قابل اجرا می باشند.

۵- عوامل بی اعتباری رأی داوریهی خارجی در حقوق ایران

اساساً داور یا داوران باید تمام توان خود را در راستای حل و فصل اختلاف حادث میان طرفین دعوی و یا کلیه کسانی که به نحوی، در مفاد قرارداد، مداخلیتی دارند، به کار بندند اما گاه، می توان مسئولیت داور را به سببی خارج از مفاد قرارداد، برقرار دانست که در زیر، آن ها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد؛

۵-۱ سوء استفاده از اختیارات

سوء استفاده از اختیارات به عنوان یکی از شایع ترین موارد سوء رفتار داوران شناخته شده است و در برخی موارد به نقض رأی داوریهی و تحمیل خسارات سنگین به اصحاب دعوا منتهی شده است. در ارزیابی «سوء استفاده از اختیارات»، دادگاه ها توجه خود را به این حقیقت معطوف می کنند که آیا داور از اختیاراتی که طبق قرارداد داوریهی به او محول شده است تجاوز

کرده است یا نه؟ در پرونده ی «هود ریل ردمن» علیه «سنترال جورجیا ریل»^۱ شعبه ی ۵ دادگاه فدرال آمریکا اظهار داشت که: «رأی داور که بدون بررسی لازم و استنتاج صادر می‌شود رأیی است که خارج از حوزه ی صلاحیت داور قرار می‌گیرد.»^۲ در اظهار نظر این دادگاه می‌توان تعهد داوران در صدور رأی مستدل و بر اساس دلایل مستحکم را استنباط نمود. در پرونده ی مذکور، رأی داور در مرحله ی بدوی نقض شد ولی دادگاه استیناف نظری برخلاف آن داشت و معتقد بود داور مطابق قرارداد داوری عمل نموده است یا حداقل دلایلی مخالف چنین فرض نمی‌توان یافت. دادگاه‌های دیگر نیز این رویه را مورد تأیید قرارداد و بر این عقیده بودند که رأی داور نباید از حدود قرارداد طرفین یا قصد طرفین عدول کند. دیوان عالی نیز رأی داور را نشأت گرفته از قرارداد داوری می‌داند نه ساخته و پرداخته های ذهنی داور. لذا از داور انتظار می‌رود در چارچوب اختیارات محوله اقدام به هدایت رسیدگی های داوری نموده و به تعهد دائمی پایبندی به قرارداد داوری وفادار باشد. لذا می‌توان گفت رأی داور هنگامی می‌تواند نقض شود که داور خارج حوزه ی قرارداد عمل کرده و عدالتی که ساخته و پرداخته ی خود اوست را اعمال کند.

۵-۲-۵-۲ جانبداری آشکار

یکی از مهم‌ترین دلایلی که اصحاب دعوا ر ا به گزینش داوری برای حل و فصل اختلافات سوق می‌دهد این است که آن‌ها کاملاً آگاه از شرایط دادگاه‌ها هستند ولی سوء رفتار داوران و استقبال اصحاب دعوا با به نمایش گذاشتن تعصبات و عدم بی‌طرفی، آرزوهای آن‌ها را در بهره مندی از محکمه ی منصفانه دلسرد می‌کند. «جانبداری آشکار»^۳ در برخی از قوانین داوری^۴ یکی از جهات نقض رأی داور می‌باشد. دیوان عالی آمریکا مسئله ی جانبداری را تنها یکبار در پرونده ی «کامن ولث کوتینگ کورپوریشن» علیه «کانتیننتال کزالتی کو»^۵ مورد اشاره قرار داد. در پرونده ی مذکور اختلاف میان یک پیمان کار و مقاطعه کار فرعی بوده که مقاطعه کار فرعی علیه داور اقامه دعوا نمود و مدعی بود که داور قبلاً برای پیمانکار خدمات حقوقی ارائه داده است و پیمانکار، مشتری دائمی او محسوب می‌شده است. دادگاه، مصرانه بر این باور بود که تعهد به افشاء این قبیل روابطی یکی از تعهدات خطیر داوران است و سوء رفتار مذکور به اندازه ی کافی برای دادگاه قانع کننده است تا رأی داوری را نقض بنماید. قاضی «بایرن وایت»^۶ و قاضی «ترگود مارشال»^۷ در این خصوص با همدیگر هم عقیده بودند و تأکید داشتند که داوران باید باخبر از روابط غیر جزیی خود با طرفین باشند.^۸ بنابراین برای داوران افشای هر گونه رابطه ای که با طرفین دارند نوعی دور اندیشی خواهد بود.^۹

در پرونده ای که بدان اشارت رفت، رابطه ی داور با پیمانکار شائبه ی روابط بسیار نزدیک را نشان می‌داد ولی در برخی از موارد دادگاه‌ها به ناچار موارد بسیار جزئی را هم مورد بررسی قرار داده اند. در پرونده ی «کانتیننتال اینشورنس کو» علیه

¹ Hood Rill Redman v Central Georgia Rill

نقل از: پیری، فرهاد، آرای داوری خارجی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۸۴.

³ Evident partiality

^۴ نظیر قانون داوری ایالات متحده آمریکا. نقل از: پیردقی، سعیده، جایگاه و اثر آرای داوری خارجی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۸۵.

⁵ Commonwealth Coating Corp. V. Continental Casualty Co

⁶ Bayern White

⁷ Tergord Marshall

^۸ میرزاده، رضا، بررسی مسئله جانبداری در داوری های بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۹.

^۹ افشای چنین روابطی هنگامی اثر خواهد داشت که داور به محض اطلاع از آن‌ها از قبول سمت داوری امتناع نموده و معمولاً در ابتدای داوری صورت می‌گیرد و به طرفین امکان می‌دهد که داور با علم به روابط او با یکی از طرفین بپذیرند یا رد کنند. نقل از: شفیعی، حمیدرضا، امتناع داور در فرایند داوری؛ احکام و آثار، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ص ۳۰.

«ویلیامز»^۱ داور از افشای این حقیقت که او به طور همزمان با پرونده ی جاری در پرونده ی دیگری یکی از طرفین را در دعاوی دیگری که علیه «کانتیننتال اینشورنس» بوده، نمایندگی می کرده است قصور ورزید.^۲ دادگاه پس از بررسی نوع سوء رفتار داور آن را موثر در بی طرفی داور دانست؛ و اقدام به نقض رأی داوری نمود. ولی دادگاه درگیر اصطلاح «جانبداری آشکار» بود و معتقد بود این عبارت مبهم می باشد و انسان، هنگامی از معنای آن اطلاع حاصل می کند که آن را مشاهده می کند و بسیار مشکل است که بتوان آن را تعریف کرد. هیچ حقوقدانی تا کنون نتوانسته است تعریف دقیقی برای این عبارت ارائه دهد اگر چه بسیاری بر آن بوده اند.

اخیراً دادگاهی در آمریکا استانداری به نام «برایت لاین»^۳ را برای نقض رأی به دلیل جانبداری آشکار طرح نموده است. البته این ضابطه نیز به اندازه ی کافی روشن نیست. این معیار جدید «تعارض منافع واقعی» یا «عدم افشای اطلاعاتی که هر فرد منطقی را به این نتیجه گیری سوق می دهد که تعارض منافع بالقوه ی وجود داشته است» را در نظر می گیرد.^۴ ضابطه ی پذیرفته شده توسط این دادگاه، در پرونده ی «کوتینگ»^۵ استوار شده است که مقرر می کرد: «دادگاه ها باید در خصوص بی طرفی داوران بیش از قضا، باریک بین باشند و این اصل مذکور را تضمین کنند زیرا داوران قدرت بیشتری در تصمیم گیری موضوعات حکمی و موضوعی دارند.»^۶ تجربیات حاصل از آراء صادر شده از دادگاه ها حاکی از آن است که داوران باید هر گونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در بی طرفی آن ها موثر باشد، افشاء نمایند. همچنین لازم به ذکر است این وظیفه در طول جریان داوری ادامه دارد. همچنین این دادگاه اصحاب دعوا را مکلف می کند قبل از رسیدگی های تعهدی مبنی بر افشای تعارض منافع از داوران خود اخذ نمایند و بر اساس آن فوراً در خصوص انتصاب یا عدم انتصاب داور تصمیم گیری کنند و قصد در انجام این مهم به معنای اسقاط حق در به چالش کشیدن رأی داوری خواهد بود.

۵-۳ نقض محرمانگی رسیدگی ها

«محرمانه بودن»^۷ و «خصوصی بودن»^۸ به عنوان دو مزیت مهم داوری نسبت به رسیدگی ها در دادگاه ها ذکر شده است. دغدغه هایی که طرفین در این رابطه دارند، منجر به انتخاب داوری برای حل اختلاف میمانند می گردد.^۹ حتی اصحاب دعوا که در زمینه داوری خبره می باشند نیز بر این باورند که مسئولیت حفظ محرمانگی که بر دوش داوران است، در طبیعت رسیدگی های داوری نهفته است یا به عبارت دیگر ذاتی داوری می باشد. به عبارت دقیق تر، وجود یا فقدان قراردادی بین طرفین در خصوص محرمانگی، تأثیری بر مسئولیت داور در محرمانه نگاه داشتن رسیدگی ها و اسرار طرفین نخواهد داشت^{۱۰} که هم رسیدگی های داوری و هم رأی داوری دارای جنبه ی محرمانه می باشند مگر اینکه قراردادی مخالف آن وجود داشته باشد لذا افرادی که نسبت به رسیدگی ها ثالث محسوب می شوند، حق شرکت در رسیدگی ها را نخواهند داشت.

¹ Continental insurance Co. v. Williams

^۲ نقل از: فیروزی، کریمه، تعارض منافع در فرایند داوری در اختلافات حقوقی و راهکارها، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۳۱.

³ Bright line

^۴ نقل از: ثابتی، سیده فاطمه، الزام به بیطرفی داور در فرایند داوری اختلافات حقوقی (استانداردهای بین المللی و داخلی)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۴۹.

⁵ Coating

^۶ برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به: خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۹۸، صص ۳۲-۳۴.

⁷ Confidentiality

⁸ Privacy

^۹ پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری بین المللی، انتشارات دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۹۹، ص ۵۹.

^{۱۰} برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به: سیدجعفری، سیدسجاد، محرمانگی و شفافیت در داوری های حقوقی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵، صص ۵۸-۶۱.

پرسش اینجاست که آیا محرمانه بودن داوری‌ها مطلوبیت دارد یا خیر؟ بسیاری از بحث‌های و مناقشه‌های که در این خصوص صورت گرفته است، در دفاع از محرمانگی رسیدگی‌های داوری بوده است ولی علاوه بر استثنائاتی که توسط دادگاه‌ها ذکر شده است، چندین استدلال علیه چنین تعهدی وجود دارد و از وجود چنین تکلیفی برای داور دفاع نمی‌کنند. برخی بر این عقیده‌اند که محرمانه بودن رسیدگی‌ها ممکن است به نتایج و آرای متعارض و ناهماهنگ منجر گردد در حالیکه ممکن است اختلاف‌ها و ماهیت آن‌ها کاملاً مشابه باشند. قراردادهای تجاری بین‌المللی معمولاً در برگیرنده‌ی چندین طرف دعوا می‌باشند.

به خاطر اینکه ممکن است همه‌ی اصحاب دعوا به وسیله یک قرارداد داوری ملزم به ارجاع اختلاف به داوری نباشند و این احتمال وجود دارد که دو یا سه داوری از یک پرونده برخیزد و از آنجا که دیوان‌ها به دلیل محرمانه بودن ممکن است نتوانند اطلاعات خود را مبادله کنند لذا ممکن است در خصوص اختلافی یکسان آراء متعارضی تولید گردد. دوم اینکه کنترل مسائل ریز رسیدگی‌های داوری و رأی نهایی، امری بسیار مشکل و ناکارآمد به نظر می‌رسد. بسیاری از داوری‌های تجاری بین‌المللی در برگیرنده‌ی موضوعاتی حقوقی می‌باشد. پس اگر تعهد محرمانه بودن به ابزاری محدود کننده تبدیل گردد ممکن است طرفین، داوران و نویسندگان را از مسائل مفیدی که در داوری‌ها محدود می‌شود، محروم نماید. در حالیکه در رسیدگی‌های دادگاه‌ها مثلاً در کشورهای تحت سیطره سیستم کامن لا^۱، رجوع به آراء صادره بسیار سهل می‌باشد ولی در داوری تجاری بین‌المللی، چنین امکانی به دلیل تعهد ضمنی به محرمانگی رسیدگی‌ها محدود گشته است.

باید دانست که انتشار آراء داوری و محرمانه نبودن رسیدگی‌ها می‌تواند برای آموزش داوران آینده بسیار مفید باشد چرا که داوران و قضات می‌توانند با حضور در جلسات یا اطلاعاتی که منتشر می‌گردد، به غنای علمی خود بیفزایند. حداقل شاید بتوان گفت در کشورهای که رویه قضایی از اهمیتی خاص برخوردار است این دیدگاه می‌تواند مورد دفاع قرار گیرد. محرمانگی اغلب به وسیله جرح‌هایی که در داوری مطرح می‌شوند یا در مرحله‌ی اجرای رأی به نابودی کشانده می‌شود زیرا دادگاه‌های ملی که در نهایت در این خصوص تصمیم می‌گیرند، تعهدی به محرمانه حفظ کردن روند داوری ندارد. همانگونه که «گیلیارد و ساویج»^۲ اظهار می‌دارند محرمانه بودن هرگز به طور مطلق نخواهد بود، شمار محدودی از افراد از آن باخبر خواهند بود و این دایره گسترش پیدا خواهد کرد به ویژه زمانی که رأی نزد دادگاه‌ها مطرح می‌شود و آنجا عده‌ای جدیدی از آن آگاه می‌شوند.^۳ اگر چه کارآیی و نظم عمومی ممکن است از علنی بودن رسیدگی‌های داوری دفاع کند ولی اولین اصلی که از محرمانگی رسیدگی‌ها در رسیدگی‌های داوری تجاری بین‌المللی دفاع می‌کند، بحث «آزادی اراده»^۴ می‌باشد. اگر طرفین محرمانگی و خصوصی بودن را برتر از کارآیی مالی و اقتصادی قرار می‌دهند آنها قادر خواهند بود به اختلافات خود به همان شیوه‌ای که می‌خواهند خاتمه دهند. این مسئله توجیه ویژه‌ای است برای قواعد محرمانگی داوری‌ها در داوری تجاری بین‌المللی چرا که داوری شیوه‌ی خصوص حل اختلاف می‌باشد.

البته ناگفته نباید گذاشت که برخی از اندیشمندان حقوقی بر این عقیده‌اند که هر تعهد حقوقی می‌بایست به صورت دقیق تعریف گردد ولی تعهد به محرمانگی همانند تعهد به حسن نیت و رسیدگی‌های منصفانه در بطن قانون نهفته است.^۵ همانگونه که «فوریتز»^۶ معتقد است، «آن‌هایی که تعهد محرمانگی را مورد تمجید قرار داده و آن را یکی از ویژگی‌های

¹ Common Law

² Emmanuel Gaillard and John Savage

^۳ نقل از: دانشمند، محسن، نقض اصول محرمانگی و شفافیت در فرایند داوری حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵، ص ۴۴.

⁴ Autonomy of will

^۵ نقل از: فقیهی، وحید، الزام به حفظ حریم خصوصی طرفین اختلاف در فرایندهای داوری (استانداردهای بین‌المللی و داخلی)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ص ۵۱.

⁶ Furitter

بنیادین داوری قلمداد می کنند، بر نبود و سکوت بحث های حقوقی در این زمینه تکیه می کنند.^۱ ولی دادگاه های استرالیایی و آمریکایی چنین تعهدی را به طور ضمنی در قرارداد نمی جویند در حالیکه دادگاه های انگلیسی معتقدند، همانگونه که در پرونده های «دولینگ باکر، هاسنه و علی شیپینگ»^۲ گفته شد که محرمانه بودن بخشی از داوری است و نه رابطه ی قراردادی بین طرفین.^۳

۴-۵ نادیده گرفتن آشکار قانون

درست است که داوران همانند قضات، درگیر قوانین دست پا گیر آئین دادرسی و مقررات مربوطه نیستند ولی این بدین معنا نیست که آن ها بدون توجه به قوانین روند داوری را هدایت کرده و رأی صادر کنند. این سوء رفتار به شیوه های مختلف مورد تفسیر قرار گرفته است. با وجود این، بیشتر دادگاه ها ارتکاب عملی بیش از یک اشتباه یا درک نادرست از قانون را برای این سوء رفتار لازم می دانند. اول اینکه، آن ها وجود یک مبنای قانونی را که به طور صحیح تعریف شده و صریح و قابل اعمال باشد را لازم می دانند. دوم اینکه، قانون مذکور باید کاملاً شفاف بوده و به راحتی توسط شخصی متعارف که به عنوان داور انجام وظیفه می کند، قابل درک باشد. در پرونده ای که در سال ۲۰۰۳ مطرح گردید، دادگاه مقرر نمود: «بازنگری قضایی تحت عنوان بی اعتنایی آشکار به قانون باید به طور بسیار مضیقی تفسیر گردد.» دیوان عالی آمریکا در پرونده ویلکو علیه سوان^۴ اظهار داشت که نادیده گرفتن و بی توجهی آشکار به قانون می تواند به نقض رأی داوری بینجامد و طرفین داوری نیز اغلب با این عنوان، در صدد نقض رأی داوری بر می آیند. ولی پرسش اینجاست نقض آشکار رأی داوری به چه معناست؟ در پرونده ی مذکور در بالا، دیوان، میان «اشتباه در تفسیر قانون» که نمی تواند منجر به بازنگری قضایی شود و «بی توجهی آشکار به قانون»^۵ که می تواند دلیلی برای بازنگری قضایی باشد تمایز قائل شد. ظاهراً بی توجهی به قانون، نوعی سوء رفتار از جانب داور محسوب می گردد به ویژه قصور در اعمال قانون. با وجود این، دیوان، حدود و ثغور بی اعتنایی آشکارا به قانون را در این پرونده تعریف نکرده است. در موارد مشابه که در دادگاه های دیگر مطرح شد، تفاسیر جدیدی از این سوء رفتار ارائه شد و محتوای این تفسیر این بود که رأی داوری نمی تواند به خاطر اشتباه در اعمال قانون کنار گذاشته شود و دادگاه ها تنها زمانی می توانند وارد عمل شوند که داور با گستاخی و آگاهانه قانون را نقض کرده باشد. برخی نیز استناد به این سوء رفتار را با عنوان «آخرین چاره»^۶ مد نظر قرار داده اند. آن هنگام که هیچگونه راهی برای جبران خسارات زیان دیده وجود نداشته باشد یعنی زمانی که اصحاب دعوا نتوانند از دیگر طرق ترمیمی استفاده کنند. البته برخی از دادگاه ها هنگام رسیدگی به اعتراضات اصحاب دعوا از عبارت «بی اعتنایی آشکار به قانون» استفاده نمی کنند بلکه از استانداردی همچون «آراء غیر عقلایی»^۷ بهره می برند.

۵-۵ عدم توجه به نظم عمومی در صدور رأی

عدم توجه داور به نظم عمومی بین المللی^۸ و کشوری که رأی داوری قرار است در آن قلمرو اجراء گردد، منجر به مواجه شدن رأی داوری با دیوار نظم عمومی خواهد شد. لذا از داوران انتظار می رود در صدور رأی داوری و در طول رسیدگی های داوری به مقوله ی نظم عمومی توجه خاصی داشته باشند چرا که هدف طرفین از رجوع به داوری، در نهایت اخذ رأی داوری و حل و فصل اختلاف فیما بین از این رهگذر است؛ رأیی که بتواند به سهولت اجراء گردد. قصور داور و نادیده گرفتن این مهم،

^۱ نقل از: نیکبخت فیینی، حمیدرضا، حقوق داوری، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ص ۲۵۱.

^۲ Ali shipping Corp. v. Dolling-Baker. & Hassneh Insurance co

^۳ نقل از: پیشین، ص ۲۵۵.

^۴ Wiko V. Swan

^۵ Manifest disregard of the law

^۶ Last resort

^۷ Irrational

^۸ Disregard of public policy

به زائل شدن هدف نهایی داوری و هدر رفتن فرصت های طرفین شده و هزینه های جبران ناپذیری را به اصحاب دعوا تحمیل خواهد کرد. تعهد داور به صدور رأی ای که با نظم عمومی برخورد نداشته باشد، در قراردادهای داوری که فیما بین داوران و طرفین منعقد می شود مورد اشاره قرار نمی گیرد زیرا نظم عمومی مسئله ای است فنی و از داوران انتظار می رود که خود، این مسئله را همیشه در ذهن داشته باشند. این مسئله می تواند دستاویزی برای خوانندگان باشد و با استناد به آن، رأی داوری را مورد چالش قرار دهند.^۱

۵-۶ عدم رعایت تشریفات قانونی

عدم رعایت تشریفات قانونی^۲ و آئین های رسیدگی نیز یکی از سوء رفتارهایی است که شدیداً اصحاب دعوا را از حضور در یک رسیدگی منصفانه محروم می نماید. برای بهره مندی از جریان عادلانه رسیدگی های داوری که توسط داور هدایت می گردد باید:

۱. ابلاغ های مناسبی به طرفین در خصوص و مکان داوری صورت بگیرد.
۲. فرصت کافی برای ارائه دلایل و حضور گواهان در جلسه ی دادرسی وجود داشته باشد.
۳. داوری به نحو بی طرفانه صورت گیرد.

موارد مذکور حداقل استانداردهای است که باید در رسیدگی های داوری حاکم باشد. در بسیاری از موارد، دادگاه ها به دلیل عدم رعایت تشریفات و آئین های رسیدگی داوران را مسئول و مجبور به نقض رأی داوری نموده اند. در یکی از پرونده ها دادگاه بدوی رسیدگی کننده به پرونده ی «کاتی اینکورپوریشن علیه آنکر کانستراکشن»^۳ رأی داوری را نقض نمود و مستند دادگاه در کنار گذاشتن رأی داوری نیز عدم رعایت آئین های رسیدگی بود. در پرونده ی مذکور، داور به دلیل بازداشتن خواننده از شرکت در رسیدگی ها مسئول شناخته شد، زمانیکه داور از او دستمزدهای خود را مطالبه نموده بود و او نتوانسته بود به موقع آن را تأمین کند. در طول رسیدگی ها هر دو طرف توانسته بوده اند در ۵ روز اولیه رسیدگی ها شرکت کنند ولی در رسیدگی های بعدی، «آنکر» که یکی از طرفین بود، به دلیل محدودیت هایی که از ناهماهنگی های داور ناشی شده بود نتوانسته بود شرکت کند. برای مثال «آنکر» از مورد سؤال قرار دادن گواه طرف مقابل منع شده بود یا از ارائه کردن مدارک و اسنادی که در ماهیت دعوا موثر بودند منع شده بود. دادگاه اظهار داشت که: «منعی در نائل شدن به این نتیجه که آنکر از حقوق قانونی خود محروم شده است، دیده نمی شود چرا که خواننده از شرکت در جلسات پایانی داوری عملاً منع شده و از مورد پرسش قرار دادن گواه خواننده محروم مانده است.» از سوی دیگر رعایت تشریفات قانونی، داوران را ملزم می کند که برای طرفین این حق را ایجاد کنند که بتوانند به ابراز ادعاهای خود بپردازند که این کار ممکن است شخصاً یا توسط وکلاء آن ها صورت بپذیرد زیرا تشریفات می تواند رعایت گردند حداقل می باشند.

۵-۷ عدم رعایت حسن نیت

حسن نیت مقوله ای است که نویسندگان، ریشه ی آن را به سده ها پیش نسبت می دهند.^۴ در حقوق رم و حقوق اسلامی بر آن تأکید شده است. در حقیقت حسن نیت، به معنای رعایت درستی و دوری جستن از حيله و نیرنگ می باشد. قرآن کریم سرشار از مضامینی است که به رعایت انصاف و عدالت امر می نماید. برای نمونه آیه «وفوا بالعقود»^۵ مؤمنان را به وفای به عهد و پیمان هایشان دعوت می نماید. در لابلای قوانین موضوعه ی کشورمان نیز به اصل حسن نیت به طور تلویحی اشاره

^۱ در این باره، بنگرید به: نیاسری، ماشاءالله، حقوق داوری داخلی و بین المللی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۹، صص ۵۱-۵۳.

^۲ Lack of due process

^۳ Coty, Inc V. Anchor construction

^۴ برای مطالعه بیشتر درباره این اصل، بنگرید به: انصاری، علی، تئوری حسن نیت در قراردادهای، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵، صص ۴۰.

^۵ قرآن کریم/ سوره ی مبارکه مائده/ آیه ی شریفه ی ۱

شده است.^۱ داوری، اصولاً دارای ماهیت قراردادی است و داور در راستای حل و فصل اختلافات حادث، موظف است که اصل حسن نیت که برخی آن را به صداقت و راستی تعبیر کرده‌اند را رعایت نماید در غیر اینصورت اصل حسن نیت را نقض کرده است. برای مثال همانگونه که در بخش نخست به آن اشاره شد، داوری در یکی از پرونده های مطرح در آمریکا به دلیل توسل به خدعه و نیرنگ، یکی از طرفین را به وارد شدن به داوری تحریک کرده بود، مسئول شناخته شد. به رغم وجود مصونیت برای داوران در آمریکا دادگاه در این مورد اظهار می دارد که: «آنچه در حیطه ی وظایف داوری قرار می گیرد و سزاوار مصونیت می باشد، سوء نیت و عدم حسن نیت را در بر نمی گیرد.»^۲ لازم به ذکر است داور پس از تحریک محکوم علیه برای ورود در داوری به ضرر وی رأی صادر کرده بود.^۳ رعایت حسن نیت و نقض آن بر گستره مسئولیت قراردادی تأثیر بسزایی دارد. نقض حسن نیت در برخی اوقات موجب افزایش مسئولیت و برعکس رعایت آن از سوی متعهد جزء موارد تخفیف دهنده ی مسئولیت محسوب می گردد.

نتیجه گیری

داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتسابی. (ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی) قانونگذار ایران، از داوری، تعریفی به طور مستقل ارائه نکرده است؛ و فقط ضمن مواد مختلف، از موارد رجوع به داور یاد کرده است. فی المثل در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که نخستین ماده از موارد باب هفتم در این قانون و مربوط به داوری است، مقرر داشته: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر، منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح، در هر مرحله از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.» مواردی که هم دادگاه برای رسیدگی به دعوا ناگزیر از تعیین داور می باشد مانند رسیدگی به دعوای طلاق که معمولاً دادگاه، یک داور از سوی زن و یک داور از سوی مرد را با مشورت آنان برمی گزیند و اگر آنها نتوانند داوری را به دادگاه معرفی کنند، دادگاه رأساً از میان اقوام آنان یا اشخاصی که مورد وثوق دادگاه هستند، به انتخاب داور مبادرت می ورزد. پس داوری عبارت از آن است که طرفین دعوا و یا دادگاه، در موارد خاص، موضوع مورد اختلاف را به داور، ارجاع و داوری او را معیار حل اختلاف و قاطع دعوای میان خویش قرار دهند.

موضوع مهم در ارتباط با داوری، نحوه شناسایی اعتبار و اجرای آرای داوری خارجی در محاکم و دادگاه های ایران است. در این باره باید گفت تقریباً تمام کشورها مقرراتی در زمینه داوری دارند و اصولاً در همه این قوانین منظور از داوری عبارت است از حل و فصل اختلاف بین اصحاب دعوی به وسیله یک شخص ثالث (داور) که صلاحیت او ناشی از توافق طرفین (قرارداد داوری) می باشد و تصمیم او در مورد طرفین الزام آور است. طبق نتایج این تحقیق، حقوق تجارت بین‌المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها نقش حیاتی داشته و حقوق داورپهای بین‌المللی، خصوصاً قسمت اجرای آرای داورپهای

^۱ مواد ۲۲۰، ۲۲۵ و ۲۱۹ قانون مدنی. ذکر این مواد از آن جهت مرتبط با مفهوم حسن نیت است که برخی معتقدند مفهوم حسن نیت، دلالت بر امری می کند که از آن به «عمل به وجه معروف» یاد شده است. برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به: صالحی راد، ابراهیم، حسن نیت در اجرای قراردادهای و آثار آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۷، ص ۹۲.

^۲ اطلاع است که دادگاه در پرونده ی نخست مقرر داشت: «داور برای آنچه که با سوء نیت و نقض حسن نیت مرتکب شده است مسئول و شایستگی استناد به مصونیت را نخواهد داشت.» در پرونده ی دوم نیز دادگاه رسیدگی کننده مقرر داشت: «باید میان اعمال با حسن نیت و سوء نیت تمایز قائل شد» در پرونده ی سوم نیز دادگاه سوء نیت را در میزان مسئولیت موثر می داند.

^۳ در خصوص ماهیت اصلی «حسن نیت» دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ برخی آن را صرفاً یک دستور کلی برای دلالت قاضی می دانند و برخی آن را یک اصل می پندارند. برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به: انصاری، علی، تئوری حسن نیت در قراردادهای، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۴۹.

خارجی نیز که ایجاد اطمینان ذهنی در بین تجار کشورهای دیگر برای انجام مراودات و مبادلات تجاری یا کشوری و یا بازرگانان کشور می نماید، نقش غیر قابل انکار و حیاتی در یک کشور دارد. در حقوق ایران نیز برای اجرای آرای داوری خارجی و بین‌المللی مقررات خاصی وضع نشده است؛ اما با وجود این با تعمیم مقررات مربوط به اجرای آرای دادگاه‌های خارجی در تئوری، امکان اجرای آرای داوری خارجی وجود دارد و لازمه آن مرتفع ساختن موانع قانونی (قانون اساسی و قوانین عادی) و نیز پیوستن به معاهدات بین‌المللی راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی می باشد.

با عنایت به نقش حیاتی تجارت و حقوق تجارت بین‌المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها و با توجه به نقش غیر قابل انکار و حیاتی حقوق داوریه‌های بین‌المللی در آن رشته خصوصاً قسمت اجرای آرای داوریه‌های خارجی در یک کشور، که ایجاد اطمینان ذهنی در بین تجار کشورهای دیگر برای انجام مراودات و مبادلات تجاری یا کشوری و یا بازرگانان کشور می نماید و با در نظر گرفتن این نکته که حقوق ایران فاقد مقررات مدون پیش‌بینی شده در این زمینه است و توسل به مقررات متفرقه تفسیری زمینه را برای ایجاد یک روش متحد الشکل را بوجود نمی آورد و خصوصاً با عنایت به این نکته که این مقررات غالباً در رابطه با اجرای اسناد و احکام خارجی است که دارای پیچیدگی‌ها و سخت‌گیری‌های خاص خودشان می باشند پیشنهاد می گردد همانگونه که برای شناسایی و اجرای احکام خارجی پس از گذشت حدود ۷۰ سال قوانینی در حقوق ایران تدوین شده است برای اجرای آرای داوریه‌های خارجی نیز مقرراتی تدوین تا ضمن ایجاد یک وحدت حقوقی در اجرای آرای داوریه‌های خارجی در ایران و روان نمودن تجارت خارجی و بین‌المللی در سایه این مقررات از موارد تقلب نسبت به قانون نیز جلوگیری شود و یک حکومت حقوقی مناسب بر این رشته حیاتی کشور ایجاد کنیم. حسن دیگر این امر قابلیت شناسایی و اجرای آرای داوریه‌های ایران در سایر کشور بر اساس عمل متقابل خواهد بود.

الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک با حفظ و رعایت قوانین اصلیه جمهوری اسلامی ایران با عنایت به پذیرش ضمنی قانونگذار در پروتکل تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری ایران و آمریکا ۱۳۴۶/۲/۲۷ و با توجه به مفاد آن و نظر به شمول موضوعی کشورهای عضو آن، می‌تواند گام مفید و موثر دیگری در این زمینه باشد.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.
۲. افراسیابی، علی، محشی قانون اساسی، انتشارات بهنامی، چاپ ششم، ۱۳۹۴.
۳. انصاری، علی، تئوری حسن نیت در قراردادهای، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. بهمئی، محمد علی، داوری بین‌المللی، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۵. پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری بین‌المللی، انتشارات دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۹۹.
۶. پیربدایی، سعیده، جایگاه و اثر آرای داوری خارجی در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴.
۷. پیری، فرهاد، آرای داوری خارجی در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۸. پیری، فرهاد، تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران؛ درس‌هایی از گذشته، فصلنامه رأی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۶.
۹. ثابتی، سیده فاطمه، الزام به بیطرفی داور در فرایند داوری اختلافات حقوقی (استانداردهای بین‌المللی و داخلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
۱۰. جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
۱۱. خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۹۸.
۱۲. خسروسرشکی، هادی، موانع شناسایی اعتبار آرای داوری خارجی در نظام‌های حقوقی دیگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

۱۳. دانشمند، محسن، نقض اصول محرمانگی و شفافیت در فرایند داوری حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.
۱۴. سیدجعفری، سیدسجاد، محرمانگی و شفافیت در داوری‌های حقوقی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
۱۵. شفیعی، حمیدرضا، امتناع داور در فرایند داوری؛ احکام و آثار، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۱۶. صالحی راد، ابراهیم، حسن نیت در اجرای قراردادهای و آثار آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۷.
۱۷. علیدوستی، ناصر، ظرفیت های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۷.
۱۸. فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظریات مشورتی شورای نگهبان، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۹. فقیهی، وحید، الزام به حفظ حریم خصوصی طرفین اختلاف در فرایندهای داوری (استانداردهای بین‌المللی و داخلی)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۲۰. فیروزی، کریمه، تعارض منافع در فرایند داوری در اختلافات حقوقی و راهکارها، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
۲۱. کاکاوند، محمد، حقوق داوری داخلی و بین‌المللی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۲۲. کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو، حقوق داوری داخلی، انتشارات دادگستر، چاپ ششم، ۱۳۹۸.
۲۳. میرزاده، رضا، بررسی مسئله جانبداری در داوری‌های بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
۲۴. نیاسری، ماشاءالله، حقوق داوری داخلی و بین‌المللی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۲۵. نیکبخت فینی، حمیدرضا، حقوق داوری، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۰.